حجّاج تركستان

اسرا دوغان

حج در دوران روسيه تزاري

در نيمه نخست قرن نوزدهم ، تركستاني ها از يك سو به خاطر عقب ماندگي سياسي ، اقتصادي و فرهنگي و از سوي ديگر به دنبال سياست گسترش سيطره روس بر ديگر بلاد ، زير سلطه روس ها درآمدند . در اين زمان مسلمانان تركستان براي انجام عبادات ديني ، با مشكلات جديدي روبه رو شدند ؛ به ويژه در عباداتي مانند حج ، كه لازم بود دولت از ايشان محافظت كند . اسلام در اين سرزمين ها اهميت بسيار داشت و روس ها مي دانستند كه مانع شدن و جلوگيري از عبادت ، براي آنان دردسر ساز خواهد شد . بنابراين ، به جاي « منع » ، سياست « محدود كردن » را به كار بستند .

امين الدوله كه در سال 1316 به حج رفته ، مي نويسد :

« . . . چنانكه دو سال است احدي از تبعه روس نتوانسته اند براي حج تذكره بگيرند و آنچه رفتند ، تذكره آن ها عنوان تجارت و سفر استانبول و مصر بود . »

وي در جاي ديگر مي نويسد : « محمد شامل پاشا پسر شيخ شامل داغستاني است كه سال ها با دولت روس جنگيده به دربار عثماني پناهنده شده و در آنجا مدفون گشت .

محمد پاشا كه پسر اوست ، ماهي 150 ليره مجاناً شهريه مي گيرد و در مدينه اقامت دارد . » ( 1 )

روس ها مي دانستند كه حج عبادت صرف نيست . به عكس ، نقشه سياسي حج را هميشه زير نظر مي گرفتند و ارتباط حجاج تركستان در راه حج و خبر گرفتن از اوضاع همديگر براي روسيه بسيار خطرناك بود ؛ زيرا اين امر نشانه اتحاد مسلمانان ماوراءالنهر محسوب مي شد . آن ها به دنبال اين بودند كه به شكل مناسبي جلوي اينگونه عبادات را بگيرند .

يكي از كارشكني هاي آنان ، خودداري از دادن گذرنامه به حجاج تركستان بود . در سال 1880 بر اساس يك قانون ، اعطاي گذرنامه به مسلمانان به حالت تعليق در آمد ، ولي حجاج در برابر اين موانع تسليم نشده و با رفتن به بندر ادسه ، با هزينه بسيار زيادي گذرنامه تهيه مي كردند و به راه خود ، به سمت حجاز ادامه مي دادند . روسيه نيز قادر نبود جلوي اين كار را بگيرد تا اين كه در سال 1904 اين ممنوعيت لغو شد ، حتي در ادسه براي فروختن گذرنامه به مسلمانان ، دفاتر زيادي باز شده بود و بعضي از مسلمانان نيز در اين ميان ، دچار نيرنگ بازي هاي دفترداران مي شدند . ( 2 )

حكومت براي مقابله با فريضه حج ، تشكّل هاي مسيونري به راه انداخت و به علما در مورد نوشتن كتاب و رساله براي منع مردم از سفر به حجاز فرمان داد . يكي از اين كتاب ها در سال 1870 با نام « سفر به حج و مكه و تأثير سياست و دين » چاپ شد . در اين رساله به نقش سياسي ـ فرهنگي مناسك حج توجه شده و در عين حال ، تا حدّ ممكن مسلمانان از رفتن به حج منع شده بودند .

در اواخر قرن 19 ، تفكّر اسلامي گسترش يافت و بالطبع روس ها از اين امر بسيار نگران بودند . اين ترس و وحشت تنها در روس ها نبود ، بلكه كشورهاي غربي ؛ مانند انگلستان كه مستعمرات زيادي در ميان ممالك اسلامي داشتند ، نيز گرفتار چنين وحشتي بودند . براي جلوگيري از سفر مسلمانان به حج ، داشتن تنها يك دروغ و شايعه نيز كافي بود ؛ مثلا كافي بود بگويند بيماري وبا در ميان حاجيان شايع شده است !

بعد از 1890 سازمان هاي قرنطينه بيماري هاي مسري تشكيل شد . در اين سياست ، به ظاهر هيچ منعي براي رفتن به حج وجود نداشت ، ليكن با گنجاندن مسأله بيماري به عنوان شرط شرعي ، براي پيش گيري از اين سفر كفايت مي كرد .

عبدالرشيد ابراهيم ، يكي از مسلمانان روسيه ، كه اصالتاً ازبك بود ، تجربه خود را در كتاب « سفرنامه حج » اينگونه آورده است :

« هر اندازه كه قرنطينه در ظاهر يك تدبير صحيح است ، در اصل يك معلنت سياسي است . ولي متأسفانه رجال حكومت عثماني و پزشكان ، از اين جهت در كل معنا غافل و بيگانه هستند . »

شگفت آن بود كه معمولاً در اوايل ماه رجب ، زماني كه حجاج مي خواستند گذرنامه بگيرند ، اعلام مي شد كه در يكي از ايالات روسيه وبا مشاهده شده است ! چون راه عبور حجاج ، در ماه رجب و شعبان از خاك روسيه بود ، اين امر هر سال اتفاق مي افتاد و خبر ديده شدن آثار بيماري وبا مرتب اعلام مي شد . همچنين بايد در نظر داشته باشيم كه به خاطر ساخت راه آهن به وسيله دولت عثماني ، راه حج بسيار كوتاه شده بود . به همين دليل اجازه نمي دادند كسي در ماه رجب براي اخذ گذرنامه مراجعه كند .

مسلمانان بعد از مدتي ، به فكر چاره افتادند . آن ها نه گذرنامه حج كه گذرنامه يك كشور ديگري را از دولت روسيه مي گرفتند ! ولي متأسفانه حجاج ما وقتي از مكه خارج مي شدند ، مي بايست قرنطينه را تحمل مي كردند . از آنجا به بيروت رسيده و دوباره قرنطينه مي شدند و به ازمير مي آمدند و بار ديگر همان بدبختي را داشتند و اگر مي خواستند به روسيه بروند ، دوباره در كفّه قرنطينه مي شدند ، ولي در هيچ يك از آن ها ، نه قانوني وجود داشت و نه بهداشتي . حتي بعضي وقت ها چنان برخوردهاي بدي مي شد كه با هيچ عقلي سازگار نبود .

اگر يك كشتي از مسلمانان از استانبول به روسيه مي رفت ، حتماً قرنطينه مي شد ، ولي كشتي روسي كه قصد برگشت از قدس را داشت ، مشمول قرنطينه نمي شد و اگر در اين كشتي فقط و فقط يك مسلمان وجود داشت آن فرد بايستي تحت قرنطينه در مي آمد . در واقع ، آن زمان قرنطينه منحصر به ايام بازگشت حجاج بود .

به نظر مي رسد اين امر از يك سو به جا بود و از سوي سياسي و نوعي ستم ؛ زيرا قرنطينه اي كه در كشورهاي مسلمان ( مانند مصر و يا قدس ) اجرا شد ، تا اين حد سخت گيرانه نبود .

در اسناد عثماني ، نمونه هاي زيادي از اين دست وجود دارد كه تنها دو مورد از آن ها را در اينجا مي آوريم :

\* عثماني ها در خصوص بيماري وبا و انجام قرنطينه ، بسيار سختگيرانه عمل نموده ، به شكايتي از طرف حجاج توجه نمي كردند . حجاج و مسافراني كه از سمرقند وارد قلمرو عثماني مي شدند و نشانه هاي وبا در آن ها پديدار مي گشت ، تحت كنترل و معاينات بهداشتي قرار مي گرفتند .

29/Z/1310 ) N . PRK . AZJ 25/58

قرنطينه ( تحفّظ خانه ) حجاج و ديگر مسافراني كه از ادسه و كؤستنجه به درِ سعادت آمده اند .

( 24/6/1325 ) Y . MTV . 303/170

گزارش عزيمت حجاج خراسان به مكه ، از مسير كرمانشاه ، به خاطر اغتشاش راه روسيه و لزوم جلوگيري مفرط آن ها به قبض عبور و لزوم صدور تذكره براي آن ها از اداره تذكره محل اقامت . ( 65 ـ 165/1/25 1324 سال ـ مركز اسناد وزارت خارجه ايران ، فرستنده : اداره تذكره خراسان و سيستان ) .

رونوشت نامه در خصوص دستور استرداد جريمه دريافتي از حجاج تيموري با توجه به سرقت تذكره هاي آن ها و نامه در مورد صدور دستور استرداد وجوه جريمه دريافتي از حجاج تيموري به آن ها . سال1324 . 4 ـ 4 ، 3ـ 3/5/25/ ( مركز اسناد وزارت خارجه ايران ) .

نامه اي در باره رييس گمرگ سيستان از استرداد وجه دريافتي از حجاج تيموري سرقت تذكره آنها و لزوم رسيدگي به قضيه . 116 ـ 115/1/6/25/1324 ( مركز اسناد وزارت خارجه ايران ) .

ممانعت از حركت حجاج روس به سمت حجاز كه در قرنطينه خانه كالازومن شورش به پا كرده بودند .

( 1329h ) /Dosya 50/1 DH . ID

علي رغم اين كه حكومت روسيه قادر به حلّ اين مسأله نبود ، در سال 1896 كميته اي زير نظر والي عمومي تركستان تأسيس كرد . اين كميته در جلسه اول خود اظهار داشت كه اساساً ممانعت از رفتن به حج قابل قبول نيست . به همين دليل بايد بدين امر اجازه داده شود . ولي اين مسامحه ، امري ناخواسته بود . بر اساس رأي اين مجمع ، سفرهاي حج مي بايستي در چهارچوب برنامه اي خاص انجام مي شد . اگر كسي مي خواست از راه دريا برود ، با قطار از تركستان به بندر كريمه ( ادسا ) و از آنجا هم مي بايست با كشتي هاي روسي به حجاز مي رفت .

اين برنامه بعد از مباحثه هاي طولاني در تاريخ 1903 از طرف روسيه تزاري تأييد و به مرحله اجرا در آمد .

[ D . Brazuer,Mekke ge yol,Turkistan Hacilari ve ) ( hukumeti,Mayis 1993 s . 31Car

در اين ميان و در سال 1904 ، قانون ممنوعيت سفر حج لغو شد . در آن دوران ، تاجري ثروتمند از تاشكندي ، به نام سيد غني عظيم بايف ، پيشنهادي را درباره حج گزاري به والي عمومي تركستان ارائه كرد ، ليكن نگاه والي به اين پيشنهاد مثبت نبود . او هم بعد از اين به پايتخت روسيه رفت و از سن پطرزبورگ موافقت گرفت . در اين پيشنهاد براي حجاج بايستي قطارهاي خصوصي تهيه مي شد . جايي كه حجاج در آنجا جمع مي شدند ، يا همان بندر ادسا ، حاجي خانه ها و مراكز بهداشتي تأسيس مي شد و مترجم ها در طول راه براي كمك به حجاج مستقر مي شدند . امور حج نيز بايد بر عهده شركت هاي خصوصي گذاشته مي شد .

روس ها در سفارت ها و كنسول گري هاي حجاز از مسلمانان تركستان اقدام به جذب كارمند مي كردند . از ميان اين افراد ، شاعر و متفكر سمرقندي ، صدقي منجزي ( 1869 ـ 1927 ) در تاريخ 1900 در سفارت جده به كار مترجمي مشغول شده بود . يكي ازاين شركت هاي مسافرتي ، شركت عظيم بايف بود كه با مديريت جديد ، اولين سند حج خود را در سال 1908 با گروهي ده هزار نفري محقّق ساخت . ( همان كتاب ، ص32 ) .

اين تنظيمات جديد نتوانست درگيري هاي حجاج تركستان را از ميان بردارد . انتقاد بسيار تندي كه عليه عظيم بايف از طرف يكي از حجاج تركستان به نام مصطفي يانقليجو ، كه به اداره اتحاد مسلمين فرستاده شده بود ، چنين مي گويد :

« افندي محترم ! شما را به خدا قسم مي دهم اين نامه را كه با اشك خونم نوشته ام ، در مجله تان مطرح كنيد . دو سال قبل كسي كه با نام سيد غني عظيم اف ، بين حجاج سمساري مي كرد ، امسال كارش بسيار گسترده تر شد . حجاجي كه وارد ادسه شده و وارد منازل مي شوند از طرف مأمورين دولتي دستگير مي شوند ، گويا به زندان برده مي شوند . از دو طرفشان كشيده و به حاجي خانه عظيم بايف مي برند . بعد از اين كه يكبار به حاجي خانه وارد شدند ، ديگر ممنوع الخروج مي شوند . اگر كسي به طور اشتباه نيز از اين حاجي خانه بيرون مي آمد ، نگهباني فرياد مي زد كه داخل شو اي سگ ! اين رفتار را مجله هاي ادسا به بهداشت حجاج نسبت مي دادند . ولي حجاج روسي كه از قدس مي آمدند ( Palamonikha ) و با ما در يك جا زندگي كرده و با همان واگن آمده بودند ، در داخل شهر آزادانه تردد مي كردند . حجاج در رفتن از ادسا مجبور هستند بليت شان را رفت و برگشت بخرند و بايستي با كشتي روس عزيمت كنند . اگر تنها بليت رفت مي خواستند شركت ها از فروش بليت خودداري مي كردند . قيمت بليت آنقدر زياد است كه در عقل انسان نمي گنجد . اين امر هر ساله بدين گونه است . حاجي مانند فردي تبعيدي تحت الأمرِ خادمان كشتي به حج مي رود و بر مي گردد . كشتي حجاج را مانند يك قايق فاضلاب نگاه مي كنند . تا چه وقت حالمان بدينگونه خواهد بود ؟ ! چه وقت چشم اعضاي مسلمان محترم مجلس مبعوثان استانبول دوما به وضعيت ما مي خورد و از اين رذالت خلاص مي شويم ! ؟

موكّل هاي مرخص دوما و اعضاي مجلس مبعوثان ! شما ميزبان هستيد و ما ميهمان . گمان مي شود كه توجه داشتن به حال ما و راضي شدن به اين حال ، كه در سرزمين خودتان اتفاق مي افتاد ، با ميهمان نوازي عثماني كه به اين خصوصيت از اول افتخار مي كردند ، هيچ وقت قابل قبول نباشد .

اي نايبان ! نگاه كنيد به احوال مسلمانان ، مرحمت بكنيد ! به اين وحشت كه در داخل مدنيت اجرا مي شود ، اجازه ندهيد . مثل ملت هاي ديگر ، ما هم حج شريفمان را با كمال حرمت و استراحت انجام دهيم . چاره اين مسأئله بر عهده شما واجب است مگر نه مسؤوليت شما در پيش خدا خيلي زياد است ؟ ! »

سفرهاي قبلي كه با كاروان انجام مي شد ، جاهاي مشخص و معين طبق سن ميهمانپذيرها و سيستم هاي حفاظتي داشت . در مسير قطار حجاج هم هزاران نفر براي سوارشدن به قطار در ايستگاه كوچك و غير مجهّز تجمع مي كردند . در اينجا خطرهايي جان حجاج را تهديد مي كرد . بيشتر حجاج نمي توانستند از نظر بهداشتي به اندازه كافي از خود مراقبت نموده ، مريض شده و در استانبول براي بازگشت به كشور خودشان گدايي مي كردند . اما برخي از اسناد در اين ارتباط :

آنان به سفارت روسيه سر مي زدند . در صورت برگشت ، دست خالي از آنجا پيش امراي عثماني رفته و از آنان كمك مي خواستند .

اعطاي هزينه كافي براي بازگشت حجاج بخارا و اهالي چين ، كه در سعادت پريشان شده بودند .

( 12/R/1336 ) MV/163/36

ـ حمل و نقل رايگان حجاج بخارايي ( 29/M/1332 ) DH . ID . 52/11

ـ پرداخت هزينه سفر بازگشت 600 حاجي افغاني كه بعد از برگشتن از جده ، در استانبول متوقف شده بودند ، از ترتيبات مصارف غير مسلحيفه .

( 01/RA/1328 ) MV . 137/117

ـ مساعدت به بازگشت حجاج افغان كه از بخارا به قصد حجاز وارد استانبول شده و به خاطر كمبود مالي ، قادر به ادامه سفر نبودند .

( 23/RA/1332 ) DH . MP . HPS . M10/50

به نظر مي رسد كه حجاج تركستان ، در مسير حج ، مشكلات گوناگوني داشته اند . بهبودي در سفرنامه حج خود چنين مي نويسد :

« حاجي به خاطر اين كه در كيسه پولش ، هزاران سكه پول نداشت ، نمي توانست به اندازه اي كه دلش مي خواست غذا بخورد . در قرنطينه خودش را مسكين نشان مي دهد و بدون پول از قرنطينه عبور مي كند و ذلّت را به جان مي خرد ، حاجي مكتب و مدرسه ديده پيدا نمي شود .

بعضي از حجاج ما بدون داشتن پول راهي سفر مي شدند ، بسيار تأسف آور است كه « ما مسكينيم » مي گفتند و با حمال و مأمورين بندر دعوا مي كردند . بعضي گوشت هاي يك ماه قبل را مي خوردند و مريض مي شدند . در آن هواي گرم ، گوشت اسب و غاز مي خوردند .

يكي از شكايات حجاج تركستان به دولت عثماني را در ذيل مي آوريم :

مشكل تراشي دلال هاي تبعه روس در بين مسلماناني كه قصد عزيمت به حج را داشتند ، با سوء استفاده از عدم آشنايي حجاج به زبان روسي . در عوض دولت عثماني نيز با مهر رسمي اقدام به تعيين كدخدايي از اهالي مسلمان چين و تركستان مي نمود تا اين مسأله را برطرف نمايد . ( 29/2/1310 ) Y . PRK . AZT 25/58

سفر حجاج زن به حجاز بسيار دشوارتر است . بهبودي در اين مورد مي نويسد :

بعضي از برادران تركستان با عيالشان به سفر مي روند . در كشتي احوال حجاج خانم بسيار اسف بار است . با اين حال كشانيدن آن ها به حج و زير پا گذاشتن ايشان و پنهان كردنشان دربدترين جاي كشتي و پوشاندن آنان در لباس هاي ناراحت ، واقعاً گناه است . آن ها به سبب شدت سفر و اذيت در مسير ، مريض مي شوند . اگر مي شد مادرهاي بيچاره مان را نبريم ، بهتربود . امپراتوري روسيه براي جلوگيري از يك شورش و نارضايتي اجتماعي بود كه رفتن به حج را به صورت علني منع نمي كرد . مسلمانان نيز در راه چاره جويي براي مبارزه با دسيسه روس ها ، به ناچار حج پنهاني را در پيش گرفتند . آنان گاهي به بهانه بيماري ، گاهي براي تجارت و گاهي نيز به صورت غيرقانوني از كشور خارج و به حج مي رفتند ؛ زيرا كنسولگري روسيه در جده مراجعه افراد زيادي را ثبت كرده كه فاقد گذرنامه بوده و به صورت غير قانوني وارد حجاز شده بودند .

( Brauzer, S . 03 )

بيشتر اين حجاج احتمالاً به صورت قاچاق از راه ايران ، افغانستان و هند به جده سرازير مي شدند .

روس ها هميشه سعي مي كردند تا اخبار شورشي ها و حوادث داخلي و خارجي مسلمانان تركستان به گوش ديگران نرسد . به طور مثال ، در سال 1903 كه شورش دوكچودر فرغانه به وقوع پيوست ، روس ها رفتن به حج را براي مسلمانان تركستان ممنوع اعلام كردند .

( Muhammed MusaTurkistani,Kaybolan vatan Turkistan Faciasi )

( 1983, S . 345 )

ما از تعداد مسلماناني كه هر سال از روسيه تزاري موفق به انجام سفر حج مي شدند ، اطلاع دقيقي نداريم . براي تثبيت ارقامي كه نزديك به حقيقت باشد ، بايستي اسناد مربوط به حج در كنسولگري روسيه در جده و مدارك موجود در سازمان هاي روسي مورد بررسي قرار گيرد .

با اين حال ، اسناد و نوشته هاي ثبت شده در كنسولگري روس در سال 1894 اطلاعاتي را در اختيار ما مي گذارد كه نشان مي دهد ، حدود 75% از 3500 نفر حاجي اعزامي ، از حجاج فرغانه بوده اند .

( Isa Cabbarov, ZulmettenMarefetge, Taskent, 4891 )

تعداد حجاج ، باتوجه به قحطي ويا وفور نعمت در كشورهاي اسلامي ، هر سال كم وزياد مي شد . به طور مثال ، در سال 1909 به دنبال افت ميزان توليد پنبه ، كه از اصلي ترين منابع درآمد مردم فرغانه به شمار مي آمد ، تعداد حجاج به 1500 نفر كاهش و در عوض در سال 1910 به خاطر خوب بودن محصول پنبه ، اين رقم به 5000 نفر افزايش يافته بود . Brauzer S . 13 )

علي رغم اين كه ترك هاي تركستان در دوره روسيه تزاري شرايط بسيار سختي را مي گذراندند ، با اين وجود علاقه و عشق خود به سرزمين مقدس را در هر جايي بروز مي دادند . آنان براي آسان كردن سفرهاي حج از هيچ تلاشي دريغ نمي كردند . در اين چهارچوب ، از آنجا كه راه آهن اسانبول حجاز دولت عثماني مسير حج را كوتاهتر و آسانتر كرده و براي اهالي تركستان نيز بسيار پر فايده به شمار مي آمد ، آنان نيز تا جايي كه توان داشتند كمك هاي مالي خود را براي انجام اين پروژه ارسال مي كردند . از آن جمله در سال1316 هجري ، از طرف كوشبك هاي بخارا و آستاناكول براي راه آهن حجاز مقدار 846 . 37 قروش به كميسيون اعانه راه آهن عثماني فرستاده شد . ب )

( BA . Yildiz esas evrak, Kisim18-3/ evrak n . 480/230 )

به همين شكل ، يابال باطور از اميران مانايماي گرگير در سال 1904 در اثناي سفر به حجاز از راه استانبول ، مقدار دو هزار صم ( Som ) كمك مالي كرده بود . در مقابل ، از طرف عبدالحميد پادشاه عثماني نيز برات و نشان طلا به وي اعطا شد .

( Kemal Sabdan Ululu, @ Sabdan Koskaca Tarih, @ Sabdanbaatir,Haz . N . Kapov Biskek, 2991 )

حج در دوران كمونيست ها

تركستان به دوره جديدي پا گذاشت كه در آن ، انقلاب بلشويك بر ضدّ اسلام به وقوع مي پيوست . بلشويك ها در سال هاي ابتدايي حكومت خود تدابير سختي را در برابر اسلام انديشيده بودند . از مهمترين دلايل اين امر ، شورش آزاديخواهان باسمالچيان مسلمانان در تركستان بود . رژيم در جهت عدم موفقيت در برابر اين گونه حركات ، سياست مجادله با مسلمانان را مدتي كنار گذاشت .

اسنادي در خصوص رفتن مسلمانان به حج در اين دوره در دست نداريم .

در ميان سال هاي 1918 ـ 1920 بين ارتش سرخ روسيه و باسمالچيان جنگ شديدي رخ داد كه در نتيجه آن ، مردم فرغانه روزهاي سختي را پشت سر گذاشتند . در اين زمان مسلمانان فرغانه به حج ، به عنوان راهي براي نجات مي نگريستند . كايقوسوز آتاباي در چهارمين اجتماع كميته مركزي تركستان چنين مي گويد :

« مردم فرغانه اكنون تك تك و گروه گروه زندگي روستاييان را خراب مي كنند ، مال هايشان را مي فروشند . آن ها كه بچه ندارند زنانشان را طلاق مي دهند و براي رفتن به حج ، به سوي قطارها مي شتابند . »

در اين ايام رفتن به حج آنقدر رواج يافته بود كه به حجاز به چشم سرزمين موعود موعود فرغانه نگريسته مي شد .

Kaygisiz Atabeyin kaygilari,Ozbegim, ed . M . Mansur,Taskent 1992, ( S . 85 )

در اين سال ها ترك هاي تركستان به بهانه اداي فريضه حج و به جا آوردن مراسم آن ، به خارج كشور رفته و ديگر برنمي گشتند . تعداد حجاجي كه از سال 1920 به اين سوي به عربستان رفتند و در آنجا ساكن شدند ، 300 ـ 400 هزار نفر را شامل مي شود .

بلشويك ها بعد از تسلط كامل بر تركستان ، مجدداً مجادلات ديني خود بر ضدّ مسلمانان را به راه انداختند . آنان بعد از سال 1920 بر سرعت فعاليت هاي خود افزودند . ( Guresgen Hudusizlar birligi )

جمعيت مبارزان بي خدا مقاله اي را در نشريه خود به نام « مجله بي خدايان » چاپ كردند كه در آن نوشته هايي را بر ضدّ حج و جدال با مسلمان ها مشاهده مي كنيم . در اين مجله ، مقاله اي به نام « حج و قرباني » منتشر شد كه در آن آمده بود : حج از طرف محمد تنها براي تأمين مالي صحراي عربستان درست شده و به خاطر تسلّط بر دنياي اسلام است ! اين اعراب فقط مي خواهند از فقراي تركستان سود ببرند !

( Hudasizlar, N . 4 . 1929, s . 3233 )

در ميان سال هاي 1390 ـ 35 هيچگونه برنامه اي براي رفتن به حج وجود نداشت و مسلمانان تنها با سعي و كوشش خود به حجاز مي رفتند .

وقتي روس ها در جنگ جهاني دوم با شكست مواجه شدند ، در خصوص سياست ديني خود نيز تجديد نظر كردند . در اين زمان ، براي كساني كه داراي احساسات وطن پرستي بودند تا اندازه اي نسبت به مسائل ديني آزادي عمل داده مي شد . در سال 1943 مؤسسه نظارت ديني مسلمانان قزاقستان و آسياي ميانه تأسيس شد . مردم زيادي براي رفتن به سفر حج به اين مؤسسه مراجعه مي كردند . مؤسسه نظارت ديني نيز اين درخواست ها را به حكومت اعلام كرده و براي سفر مسلمانان از آن اجازه مي گرفت . در اين سال ، هيأتي 6 نفره متشكل از آخوند قاراقالپاكستاني از قاضي هاي مؤسسه نظارت ديني ، يك اجر از نمنگان ، يك امام خطيب از خجند ، يك معلم و يك نفر تاجر از قزاقستان از راه ايران به بغداد ، از آنجا به مصر و از مصر نيز به مكه رفتند .

( Kadi Muradhaca Salihi Otgen yil hac seferi, Orta Asya ve Kazakisan Muslumanlari Diniye NezaretiJurnali, S,3 . 4 . Taskent )

ولي در سال 1947 ، همانند امپراتوري تزاري ، به بهانه وجود خطر بيماري مالاريا ، از رفتن به حج ممانعت به عمل مي آمد كه اين رويه تا مرگ استالين در سال 1953 نيز ادامه پيدا كرد . در اين سال حكومت شوروي به عنوان نوعي تبليغات مثبت و براي نشان دادن خود به تمامي مسلمانان جهان ، آزادي هاي ديني و امكانات خصوصي ويژه اي را براي حجاج تركستان در نظر گرفت . روس ها ابتدا كارواني از مأموران خودشان را تشكيل داده و آن ها را براي تبليغات به استانبول فرستادند . رياست اين كاروان را امام مسجد مسكو ، صالح اف كه از مسلمانان تاتار بود ، برعهده داشت . دولت روسيه در اين كاروان افرادي از تمامي جمهوري هاي مسلمان خود ؛ همچون باشقورد ، قزاق ، قفقاز و آذربايجان را جاي داده بود . در ميان سال هاي 1945 ـ 1980 روس ها هر ساله 15 ـ 30 نفر را به حج مي فرستادند كه هريك از جمهوري ها ، در اين تعداد 2 الي 4 نفر نماينده داشتند .

در سال 1980 و در پي اجراي سياست هاي باز گورباچف ، ده ها هزار نفر به مؤسسات زيارتي حج مراجعه كردند . به دنبال آن ، مسؤولان شوروي با مشكلات فراواني روبه رو شده و براي كاستن از اين مشكلات ، هزينه هاي سفر حج را افزايش دادند .

به عنوان مثال هرچه سفر حج كه در سال 1989 ، 400 روبل بود ، در سال 1990 به روبل رسيده بود .

Anny Sheehy, Dagistani Muslim protest Aganist Cost of pligiramagetoMekke, 1991 )

حج در تركستان پس از كمونيست ها

جمهوري هاي تركستان در سال 1991 به استقلال رسيدند و قوانين و مقررات جديدي را براي آزادي هاي ديني تصويب كرده و امكان انجام عبادات ديني را فراهم آوردند . مردم مي توانستند با آسودگي به حج بروند . تعداد حجاج در اين دوران به اوج خود رسيد . در سال 1991 ، 400 نفر و در سال 1994 ، 2700 نفر تنها از جمهوري ازبكستان به سفر حج رفتند . در حال حاضر نيز حجاج تركستان مي توانند آزادانه به حج بروند . گمان مي شود كه از كشورهاي ديگر همسايه هم به همين اندازه به حج رفته باشند .

آداب و رسوم حج در تركستان

مردم تركستان از قرن ها پيش اهميت زيادي را براي انجام فريضه حج قائل بوده اند و براي سفرهاي رفت و بازگشت حج ، برنامه هاي مخصوصي داشته اند .

وامبري در خصوص اين آداب و رسوم ، چنين مي نويسد :

« وقتي به چادر باسملا رسيديم ، ما را پياده كردند . در اينجا مشخص شد كه اهالي كاروان ما در كجا ميهمان مي شوند . احوالاتي را كه در اينجا مشاهده كردم ، در عمرم فراموش نمي كنم . مردم قادر نبودند . اين ميهمان ها را در ميان خود تقسيم كرده و به خانه خود ببرند . آن ها پذيرايي از كاروان حجاج را براي خود يك افتخار مي دانستند ( وامبري ، ص62 ) . »

مسلمانان قرقيز نيز فريضه حج را انجام مي دادند . كساني هم كه قادر به انجام سفر حج نبودند ، ملاّهاي دينداري را كه از بخارا كاشمر ، سمرقند و تاشكند آمده و به سمت حج مي رفتند را « حج بدل » و يا نايب الزياره قرار مي دادند . مخبرالسلطنه مي نويسد :

« در مدينه بين اهالي ، تعصّب بيشتر از مكه است ، خصوصاً در مردم بخارايي كه هميشه جمعي مجاورند . وقتي كه در مدينه بودم ، ( 1321 ) وقتي مي خواستم وضو بگيرم ، گفتم با عصبانيت ، آقا ! عجله كن . متوجه شدم كه چند بخارايي غضب آلود منتظرند . محلّ تعجب است كه به اين اندازه مغاير بين برادرهاي ديني انداخته اند . ( سفرنامه مخبر السلطنه ، انتشارات تيراژه ، 1367 ، ص296 ) . »

ميرزا داود هم مي نويسد :

« حجاج بخارايي در همان كشتي كه ميرزا داود با هم مي رفتند ، از او مذهبش را پرسيدند . او پاسخ داده است كه شافعي است . آنان باور نكرده اند و از او سؤال كشيده اند . »

وي در جاي ديگري مي نويسد :

« بعضي از اهل تاتار در كشتي بودند . بعد از احرام قمه هاي خود را بسته و تفنگ هاي دولول بردوش انداخته بودند ، مثل كسي كه مي خواهد به جنگ برود . ( سفرنامه ميرزا داود وزير وظايف ، به كوشش سيدعلي قاضي عسكر ، انتشارات مشعر ، 1379 ، صص87 ، 88 ) . »

در ميان ازبك ها ، حجاج قبل از رفتن به حج به مردم « پلوي حج » مي دادند و جشن وسرور بر پا مي كردند . مردم نيز براي وي هدايايي آورده و با جشن و شادي حجاج را بدرقه مي كردند . كساني كه از سفر حج بازمي گشتند به مدت يك ماه لباس اعراب را به تن كرده وگردش مي كردند ، مردم نيز احترام زيادي براي او قائل مي شدند . حاجي در بازگشت ازسفر حج ، هدايايي را براي اقوام و آشنايان آورده و ميهماني بر پا مي كردند . يكي از با ارزشترين اين هدايا ، آب چاه زمزم بوده است . خانم هايي هم كه از سفر حج برمي گشتند ، روسري سفيد به سر مي كردند .

مردم ماوراءالنهر ، جاهايي را كه در نظر شاه مقدس محسوب مي شد ، با كعبه مقايسه مي كردند . اين امر نشان مي دهد كه آنان تا چه اندازه نسبت به اين مكان ارزش و احترام قائل بودند . ( درويش دروغين ، ص 148 )

مردم ماوراءالنهر معتقدند رودخانه شيبش كه بستر رود جيحون است ، در زمان هاي قديم اززير ديوار بنايي كه قراربود خانه كعبه درآن ساخته شود ، جريان پيدامي كرد ، ازاين رو آنها شهر بخارارا درمقام ومنزلت با مكه ومدينه مقايسه مي كردند ( درويش دروغين ، ص248 ) .

وامبري مي نويسد :

« حاجي ها غالباً در كوله پشتي خود دانه هايي متبرّك از مكه ، خرماي مدينه و نشانه هاي ساخت ايران را به همراه داشتند . حجاج مسلمان قبل و بعد از حج ، اماكن مقدس را نيز زيارت مي كردند . يكي از اين اماكن مزار عبدالخالق در ده فرسخي شهر بخارا و ديگري مزار قوجه عبدالحق قيجواني ( متوفاي سال 1201 ) معاصر با دريابند ، زمين » مصرف بود . شهرت او در علم رياضي تا امروز محفوظ مانده است ( درويش دروغين ، ص261 ) . »

حجاج ماوراءالنهر علاوه بر آنچه در بالا اشاره شد ، براي صحت بيماران ، گرد صحت و خاك شفا را از مدينه به همراه مي آوردند . ( ص257 ) .

شعرا و علمايي كه از ماوراءالنهر و تركستان به قصد حج حركت مي كردند ، در هر حال از آناتولي واستانبول ، مركز خلافت نيز مي گذشتند . برخي ازاين شعرا وعلما از آناتولي واستانبول عبور كرده و برخي ديگر به خواست پادشاه در آنجا اقامت مي گزيدند .

اين سفر به منزله پل ارتباطي ميان آناتولي و استانبول با اهالي مناطق تركستان محسوب مي شد . از آنجا كه پادشاهان عثماني حمايت هاي بي دريغي را از اين افراد به عمل مي آوردند ، در نتيجه علما تركستان در سرزمين عثماني و خصوصاً در شهر استانبول مي ماندند . همچنان كه مشاهده مي كنيم نمونه هاي ادبي مشترك زيادي در ادبيات آناتولي و تركستان وجود دارد . يكي از مهمترين اين افراد ملاجامي است .

افرادي از تركستان كه در آناتولي ماندگار شدند

امير سلطان ( 1368 ـ 1429 ميلادي )

نامش محمد و لقبش شمس الدين است . پدرش آلپ افندي معروف به اميركولال بوده است . وي بعد از ازدواج با دختر سلطان بايزيد ، لقب « امير سلطان » را به خود مي گيرد . او از طريقت كبرويه تبعيت مي كند . بعد از اتمام تحصيلات در بخارا به دنبال يك الهام آسماني به حج رفته و از آنجا نيز به آناتولي آمد و در آنجا سكني گزيد .

عبدالقادر جزائري گويد : بدرالدين محمدبن احمدبن عبدالعزيز بن ماده البخاري رييس حنفيه بخارايي در سال 603 از راه بغداد به حج رفت . ( درر الفوائد ، درالكتب العلميه ، 2002 ، ص416 ) .

خندان ( م 1426 )

وي برادر سيد عمادالدين نسيمي و از اهالي بخارا است . در ايام جواني و در اثناي حركت به سمت حج ، شهرهاي زيادي همچون نيشابور ، اصفهان را سياحت كرد و بعد از انجام حج نيز به آناتولي آمد و از آنجا به كربلا رفت . با لقب شاه خندان ژوليده موي مشهور شد و در سال 830 نيز وفات يافت .

عبدالله بن محمد كاشغري ( وفات 1100 )

وي در كاشغر به دنيا آمد و در 17 سالگي وارد طريقت نقشبندي شد . به سمرقند هرات ، بلخ و خجند سفر كرد . در خراسان ، شيراز ، بغداد و شام اقامت گزيد . در شام در خدمت حاج عمر بلخي بود .

سه بار به قدس و حجاز رفت و فريضه حج را به جاي آورد . بعد از 45 سال سياحت به استانبول آمد و در منطقه ايوب سلطان اسكان يافت . در ميان سال هاي 1156 ـ 59 شيخ تكيه قلندريه شده و در سال 1174 نيز وفات يافت